

ملاصدرا و وفاق میان بین برهان، عرفان و قرآن

حاضران در نشست «روش‌شناسی فلسفه صدرایی» بیان کردند کار ملاصدرا ایجاد وفاق بین برهان، عرفان و قرآن است

...



حاضران در نشست «روش‌شناسی فلسفه صدرایی» بیان کردند کار ملاصدرا ایجاد وفاق بین برهان، عرفان و قرآن است ولی اینکه با چه روش و الگویی به این مقام جمع سالم رسیده است محل بحث بین اهل نظر و از مسائل پیچیده است و دیدگاه‌های مختلفی در این زمینه از سطحی تا تحلیلی عمیق وجود دارد.

محمد رضاپور به گزارش اینکنا، حجت الاسلام والمسلمین محمد رضاپور، دبیر علمی نشست «روش‌شناسی فلسفه صدرایی» اول خردادماه در این نشست که به مناسبت روز بزرگداشت ملاصدرا از سوی مجمع عالی حکمت اسلامی برگزار شد در سخنانی با بیان اینکه بزرگان گفته اند کسی که بخواهد حکمت متعالیه را خوب بفهمد باید متن معیاری با تفهم ببیند تا عمق آن را درک کند، گفت: مرحوم مظفر در مقدمه بر اسفار از نقل مرحوم کمپانی نقل کرده است که اگر کسی رموز اسفار را درک کرده باشد هر آینه برای شاگردی او کوچ می‌کنم؛ بنابراین سهل و ممتنع بودن آثار صدرا در روش او هم بوده است.

رضاپور اضافه کرد: کار ملاصدرا ایجاد وفاق بین برهان، عرفان و قرآن است ولی اینکه با چه روش و الگویی به این مقام جمع سالم رسیده است محل بحث بین اهل نظر و از مسائل پیچیده است و دیدگاه‌های مختلفی در این زمینه از سطحی تا تحلیلی عمیق وجود دارد.

وی ادامه داد: امروزه حکمت شیعی به عنوان نوصدرایی مطرح است و اصالت حکمت شیعی درگرو این است که بتوانیم گزارش خوب و روایت قابل دفاعی از حکمت صدرایی که این همه برکات و آراء بدیع داشته است ارائه دهیم.

در ادامه عبدالرسول عبودیت، استاد فلسفه مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) به بحث سرقت علمی که به بزرگانی چون صدرا نسبت داده می‌شود اشاره کرد و با بیان اینکه ملاصدرا عباراتی را آورده است و قید می‌کند که عین عبارت فلان فرد است، گفت: مثلاً عبارتی از فخررازی آورده است ولی مطالبی به آن می‌افزاید و نتایجی می‌گیرد که دیگران نگرفته اند و ابداع او همین است.

وی افزود: یکی از مشکلات این است که برخی افراد وقتی وارد رساله نویسی می‌شوند می‌گویند فلان مطلب صدرا با فلان مطلب او متناقض است ولی این نگاه سطحی، درست نیست؛ مثلاً وی در مورد وحدت، چهار نظر مانند وحدت جمعیتی و عددی و ... را مطرح می‌کند که در نگاه اول تناقض دارد ولی اگر کسی عمیق بنگرد مسئله حل خواهد شد؛ در اتحاد عاقل و معقول هم این موضوع وجود دارد؛ بنابراین هنر محقق و پژوهشگر در حوزه صدرا آن است که فوراً به تناقض در آراء او رای ندهد.

عبودیت افزود: در بحث حدوث نفس، جسمانیت الحدوث را طرح کرد و از این نوع ابتکارات زیاد دارد و کارهای او شاهکار است. چند استدلال عیناً مانند فخررازی می‌آورد ولی استنباط او از فخررازی به نحو عجیبی متفاوت است و به حرف نهایی خود می‌رسد؛ در بحث عالم و معلوم خیلی از فخررازی استفاده می‌کند گرچه در مواردی بیان فخررازی آسان تر بیان شده است ولی به بحث عمق می‌بخشد.

استاد حوزه علمیه با بیان اینکه ایشان در پاسخ به این پرسش که از دید فلاسفه تفکر فلسفی باید به وجدانیات و بدیهیات منتهی شود، اظهار کرد: او می‌گوید فلاسفه قبل از من حدس قوی داشتند ولی کشف نداشتند ولی کسی که هم حدس و هم کشف قوی داشت و خدا آن را لطف کرد بنده بودم.

دوری از تقلید و بازگشت به عقل عبودیت تصریح کرد: بنابراین ملاصدرا از تقلید دور می‌شود و به روش عقل برمی‌گردد با اینکه از کشف و شهود عرفا هم بهره می‌برد از این رو گاهی ما نمی‌فهمیم عارف چه می‌گوید ولی او تبیین عقلی می‌کند.

وی با بیان اینکه ملاصدرا در کشف حقایق از همه روش‌ها مانند نصوص دینی و شهود عرفا و ... بهره می‌برد، گفت: صدرا تلقی خاصی از عرفا و کار آنان دارد و تلقی دیگری هم از شریعت دارد؛ فلسفه دغدغه رسیدن به واقع را آنطور که هست دارد؛ ملاصدرا دو راه را غیر از عقل راه رسیدن به واقع می‌داند و آن دو عرفان و شریعت و قرآن است.

استاد مؤسسه امام خمینی(ره) اظهار کرد: صدرا در توضیح می‌گوید هم شریعت و هم عرفان ما را به واقع آنطور که هست می‌

رساند و این دو راه قویتر از عقل است زیرا عقل کلی است که همه حقایق فلسفی آنجاست. راهی که از همه راه ها هم قویتر است شریعت است.

وی افزود: اگر فیلسوفی چنین فکری دارد لزوماً باید به قرآن و شریعت تن بدهد ولی این به معنای آن نیست که عیناً از قرآن و شریعت استفاده کند بدون اینکه تحلیل فلسفی بدهد لذا برای استفاده از متن دینی، روش فلسفی را پیش می گیرد.

عبودیت بیان کرد: او در متن دینی چیزی می بیند که از دید وی می تواند استدلال شود لذا حضور شریعت فقط حضور در مقام گردآوری نیست بنابراین او روش عام و روش خاص در کار فلسفی خود دارد و این باعث شده است دستش برای حضور متن دین در کار فلسفی خیلی باز شود.

کلام مورد استفاده صدرا نیست

عبودیت با بیان اینکه چرا کلام به کار صدرا نمی آید زیرا از دید وی، کشف واقع نیست، گفت: کلام می تواند برای او مسئله بسازد ولی میزان برای او نیست؛ او قائل به روش عام و خاص است و روش عام همان کار میان رشته ای است ولی نباید از دایره فلسفه خارج شود. اوجی در فهم متن دینی روش نابی دارد و تفسیر او ریشه در فلسفه دارد و فلسفه او ریشه در تفسیر.

وی تاکید کرد: تحقیقی ترین کار در معاد جسمانی مربوط به ملاصدرا است؛ هشت گروه آیه و گروه هایی از روایات را هم آورده است و جالب اینکه او تاکید دارد شریعت راه را برای فلسفیدن من در برخی موضوعات باز کرده است مانند بحث مرگ و معاد جسمانی و وحدت وجود.

عبودیت تصریح کرد: کدام فیلسوف است که شعور همه موجودات از جمله جمادات را ثابت می کند؟ این مسئله را هیچ فیلسوفی بیان نکرده است.

عبودیت با طرح این پرسش که اگر ما با حس چیزی را درک کنیم و بعد با عقل آن را ثابت کنیم آیا فلسفه نیست؟ افزود: بنابراین متن دینی، واقع را گفته است و ما استدلالی می یابیم که این واقع را تثبیت و توجیه کند و اگر در روش عقلی به خطا هم رسید دوباره سراغ متن خواهد رفت و ملاصدرا این کار را انجام می دهد.